

دیوان کیفری بین‌المللی

ایو دله

Yves Dolais

ترجمه دکتر ابراهیم بیگ زاده

مقدمه

غالب بن شیخ، معاون کنفرانس جهانی ادیان برای صلح، می‌گوید: «جنگ ذاتی رفتار انسانی است». بنابراین باید پذیرفت که زندگی اجتماعی بدون جنگ، جنگ در خانواده‌ها، جنگ در شرکتها، جنگ میان ملتها یا میان دولتها وجود ندارد. جنگ حتی می‌تواند مشروع هم باشد. شاخصه تاریخ بشریت جنگ، نسل‌کشی و تنفر و انزجار است و قرن بیستم شاهد ظهور دو جنگ بین‌المللی به قصد سلطه جهانی و همچنین ظهور یک اخلاق عمومی بین‌المللی است. اما از هیتلر تا میلوسویچ^۱ و از آنجمله عیدی امین دادا (اوگاندا) و پُل پُت (کامبوج) یا صدام حسین، فقط اندکی از جنایتکاران بزرگ با اتهامات رسمی و مشخص محاکمه شده‌اند. از ۱۸۷۲، یک طرح جهت ایجاد یک نهاد حقوقی بین‌المللی تهیه شده بود. از زمان محاکمات نورمبرگ و توکیو، که توسط فاتحان تحمیل و پایان بخش جنگ دوم جهانی بود، جامعه بین‌المللی در تلاش برای تعیین حدود میان آنچه که در یک جنگ پذیرفتنی است و

۱. میلوسویچ رئیس‌جمهور صربستان می‌باشد که در زمان وی فجایع بوسنی و هرزه‌گوین و همچنین کوزوو به وقوع پیوسته است.

آنچه که غیر قابل قبول است می باشد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اعلامیه شماره ۲۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ از کمیسیون حقوق بین الملل خواست «بررسی کند که آیا ایجاد یک رکن قضایی بین المللی برای محاکمه اشخاص متهم به جنایت نسل کشی امری مناسب و ممکن می باشد».

پایان جنگ سرد و تنفر و انزجار ناشی از جنایات ارتكابی در کامبوج و سپس در یوگسلاوی و روآندا سبب شد تا فرایند تشکیل یک محکمه کیفری بین المللی مجدداً آغاز شود. ایجاد محاکم کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و برای روآندا به ترتیب در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس فصل هفتم منشور ملل متحد علی رغم صلاحیت محدودشان نشان از پیشرفتی قطعی در این زمینه است. جامعه بین المللی، پنجاه سال پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر و پنجاه سال پس از امضاء کنوانسیون بین المللی منع نسل کشی، سرانجام نهادی دائمی برای خود ایجاد کرد که نه فقط جنایات خطیری که وجدان جهانی را خدشه دار می کند مجازات نماید، بلکه مانع ارتكاب آنها نیز شود. تصویب معاهده رم، که همان اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است، در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، بمثابة مرحله ای سرنوشت ساز برای عدالت بین المللی تلقی شده است. دو اصل به نظر بنیادین و جدید می رسند: عدم تبری از مسؤولیت کیفری به دلیل وجود سلسله مراتب یا نظم قانونی و عدم توجه به مقام رسمی مرتکبین. مع ذلک این شوق و وجد مشکلات آتی در ایجاد مؤثر دیوان و عملکرد آن را پنهان نمی کند.

فصل اول

دیوان دائمی با استقلال محدود

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بیانگر مصالحه ای در مقابل اختلافات

سیاسی است. ماده یک این اساسنامه اشعار می‌دارد: «بدین وسیله یک دیوان کیفری بین‌المللی به صورت دائمی ایجاد می‌شود که می‌تواند صلاحیت خود را در مورد اشخاص برای شدیدترین جنایات بین‌المللی اعمال نماید. این دیوان مکمل محاکم کیفری داخلی است». دیوان مرکب از یک دادستان و هیجده قاضی است که برای مدت نه سال انتخاب می‌شوند. مقر دیوان در شهر لاهه در کشور هلند می‌باشد.

الف: صلاحیتهای محدود دیوان کیفری بین‌المللی

ماده ۱۲۰ اساسنامه اجازه استفاده از شرط را به دولتها نمی‌دهد، اما دیوان، طبق ماده ۱۱ اساسنامه، صلاحیت خود را فقط در مورد جنایات مؤخر بر لازم الاجرا شدن اساسنامه اعمال می‌نماید. البته این محدودیت، عملکرد دیوان را تسهیل می‌کند. بعلاوه، صلاحیت دیوان فراگیر نیست. قلمرو صلاحیت دیوان محدود به چهار گروه از جنایات است که در ارتباط نزدیک با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند. این جنایات عبارتند از: جنایت نسل‌کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز. اما جنایاتی چون شکنجه، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و تروریسم در این اساسنامه ملحوظ نشده‌اند.

۱. جنایت نسل‌کشی

جنایت نسل‌کشی شامل اعمال «ارتكابی به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» است. این اعمال شامل قتل اعضای گروه، آسیب شدید به تمامیت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، تحمیل شرایط زندگی غیر انسانی به اعضای یک گروه، اقدام برای جلوگیری از توالد در یک گروه و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر است.

۲. جنایات بر ضد بشریت

جنایات بر ضد بشریت شامل یک سلسله اعمال مندرج در ماده ۷ اساسنامه می‌شود که با آگاهی «در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد مردم عادی» ارتکاب می‌یابند که از آنجمله قتل، قلع و قمع کردن، شکنجه، جابجایی اجباری مردم، تجاوزات جنسی، به بردگی گرفتن جنسی، آپارتاید، می‌باشد.^۲

۳. جنایات جنگی

جنایات جنگی به ویژه از زمانی داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی می‌شود که بخشی از یک طرح یا یک سیاست بوده و در سطح وسیع ارتکاب یابند. این جنایات اعمالی هستند که ناقض کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو یا سایر قوانین و عرفهای جنگی لازم الاجرا در حقوق بین‌الملل است. از آنجمله قتل، شکنجه، رفتار غیر انسانی، راندن اجباری مردم از سرزمین خود، جابجایی اجباری مردم، گروگانگیری، حمله بر ضد مردم عادی (غیر نظامی)، حمله به نیروهای سازمان ملل متحد (کلاه آبی‌ها)، تخریب اموال، تجاوزات و خشونتهای جنسی و واداشتن اجباری افراد به شرکت در مخاصمه مسلحانه است. همچنین کاربرد تسلیحات ممنوعه، استفاده از تسلیحات و شیوه‌های جنگی با ماهیت ایجاد خسارات و درد و رنج زائد و بیهوده در زمره جنایات جنگی است. اما ذکر این از تسلیحات اتمی، تسلیحات شیمیایی و مین‌های ضد نفر نشده است که مایه تأسف می‌باشد. رسیدگی به جنایات جنگی در صورت ارتکاب در مخاصمات مسلحانه داخلی نیز در صلاحیت دیوان است، مگر «قتل‌ها یا خشونتهای پراکنده و موردی» و به شرط آن که لطمه‌ای به حقوق

۲. از دیگر جنایات بر ضد بشریت که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مندرج است می‌توان از روسپیگری اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، آزار مستمر به عمل سیاسی، نژادی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص و اعمال غیر انسانی به قصد ایجاد درد و رنج زیاد نام برد.

دولتها در حفظ نظم عمومی وارد نکنند. مع هذا، محدودیت مهم در ماده ۱۲۴ اساسنامه مندرج است که به دولتهای متعاقد اجازه می‌دهد که به طور یکجانبه صلاحیت دیوان را برای یک دوره هفت ساله برای جنایات جنگی ارتكابی توسط اتباع یا در سرزمین خود نپذیرند.

۴. جنایت تجاوز

دیوان، به علت عدم توافق در مورد تعریف تجاوز، اعمال صلاحیت خود در مورد جنایت تجاوز را موقوف به تصویب مقرراتی کرده است که حاوی تعریف این جنایت و تعیین شروط رجوع به دیوان در مورد آن می‌باشند. قرار است این مقررات در خلال کنفرانس بازنگری، که هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان تشکیل می‌گردد، تصویب شوند. این خود نشانگر پذیرش ضمنی این مسأله هم هست که تعریف ارائه شده از تجاوز در ۱۹۷۴ (قطعه‌نامه ۳۳۱۴ یا قطعه‌نامه تعریف تجاوز) رضایت بخش نبوده و تعریف آن نیاز به «کنسانسوس» دارد.

ب: شرایط محدود رجوع به دیوان

دیوان کیفری بین‌المللی، برخلاف دادگاه کیفری بین‌المللی - را - بوگسلاوی سابق که صلاحیت خود را بدون توجه به رضایت دولتهای ذیربط اعمال می‌کند، از اقتدار قضایی مستقل برخوردار نیست.

رجوع به دیوان می‌تواند بنا به درخواست یک دولت متعاقد، یا شورای امنیت سازمان ملل متحد و یا دادستان تحقق یابد. دیوان، بجز موردی که ارجاع از سوی شورای امنیت باشد، صلاحیت خود را به محض این که یک دولت متعاقد ذیربط، اعم از دولت متبوع متهمان جنایت یا دولت محل وقوع جنایت، رضایت صریح خود را اعلام نماید اعمال می‌کند. دادستان می‌تواند به ابتکار خود نیز تحقیقات را آغاز

نماید، اما این کار منوط به مجوز از سوی قضات شعبه مقدماتی است. مع ذلک شورای امنیت می‌تواند توسط قطعنامه صادره در چارچوب فصل هفتم منشور در مورد حفظ صلح و امنیت جهانی از دادستان بخواهد تحقیقات خود را برای مدت دوازده ماه که قابل تمدید هم هست به حالت تعلیق درآورد.

مسأله بعدی روابط میان دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم داخلی است که براساس اصل صلاحیت تکمیلی (موضوع مواد ۱۷ و ۱۹ اساسنامه) تنظیم شده است. دولتها، در درجه اول، مسؤولیت سرکوب جنایات را برعهده دارند. عملی که حاکی از اعمال صلاحیت یک دولت در قلمرو جزایی باشد دلیلی بر غیر قابل پذیرش بودن اتهام در مقابل دیوان است. دیوان فقط زمانی صالح است که دولتها از محاکمه جنایتکاران امتناع کرده یا ناتوان از این کار باشند، یعنی هنگامی که نظام قضایی داخلی به علت عدم حسن نیت یا ناتوانی دولت دچار ضعف و نقصان می‌باشد. در واقع، این دیوان است که این معیارها را بررسی و ارزیابی می‌نماید. بعلاوه، امکانات گسترده‌ای برای دولتها جهت اعتراض به صلاحیت دیوان در اساسنامه پیش‌بینی شده‌اند. دیوان مکلف است کلیه دولتهای متعاقد را در جریان کلیه شکوائیه‌های ارجاعی یا کلیه قضایایی که ممکن است خود تصمیم به رسیدگی بگیرد قرار دهد. مع ذلک در صورت اعتراض به صلاحیت، تصمیم آخر با خود دیوان است که قاضی نهایی برای احراز یا عدم احراز صلاحیت خود می‌باشد.

ج: تشریفات زیاد

اساسنامه دیوان برای تضمین یک عدالت کیفری، تشریفات غیر معمولی را با پیش‌بینی یک شعبه مقدماتی، وارد صحنه بین‌المللی کرده است. این شعبه دارای اختیارات مهمی است که از آن جمله صدور مجوز برای مواردی که دیوان رأساً (از طریق دادستان) قصد رسیدگی به قضیه‌ای را دارد یا نظارت بر مرحله بازپرسی می‌باشد.

بعلاوه، قربانیان امکان شرکت در محاکمه و درخواست جبران خسارات را دارند. بالاخره، تعدادی اصول کلی حقوق جزا نیز در اساسنامه پیش‌بینی شده‌اند که از آنجمله اصول برائت، قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی شدیدتر، جبران خسارات وارده و عدم مرور زمان است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، با توجه به گرایش جدید در قلمرو مجازات‌ها، مجازات مرگ را پیش‌بینی نکرده است و مجازات زندان به میزان حداکثر ۳۰ سال یا حبس ابد برای جنایات خیلی شدید است.

فصل دوم

مشکلات آتی دیوان کیفری بین‌المللی

هنوز کارهای مقدماتی زیادی اعم از فنی و سیاسی باقی مانده است. یک کمیسیون تدارکاتی (مقدماتی) مسؤول تهیه متون فنی لازم برای برپایی دیوان تشکیل و اولین اجلاس خود را از ۱۶ تا ۲۶ فوریه ۱۹۹۹ در نیویورک برگزار کرده است؛ این کمیسیون باید بخصوص قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات جرم و تعریف عناصر تشکیل دهنده جنایات را، که ارزش مهمی برای قضات دیوان دارند، تدوین نماید. این دو متن باید قبل از ۳۰ ژوئن سال ۲۰۰۰ تهیه شوند. حضور در این کمیسیون برای کلیه دولتها، حتی دولتهایی که اساسنامه را امضاء نکرده‌اند، امکان‌پذیر است. کمیسیون دو اجلاس دیگر در سال ۱۹۹۹ برگزار می‌نماید. از ۲۷ تا ۲۹ آوریل نیز سمیناری در پاریس در مورد چگونگی دسترسی قربانیان به دیوان تشکیل می‌شود. یکی از مسائل کمیسیون تدارکاتی (مقدماتی) بحث در مورد آیین دادرسی است که کشورهای انگلوساکسون، مدافع قواعد کامن‌لو، و فرانسه، مدافع نظام رومی - ژرمنی را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.

الف: مشکلات تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

یک گروه از سازمانهای غیردولتی، با آگاهی از مشکلات و ابهامات، حرکت مشترکی را با دو هدف در سطح اروپا برای تصویب سریع معاهده رُم به راه انداخته‌اند. اولین هدف آنها کسب شصت سند تصویب قبل از ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۰ است، برای این که دیوان بتواند تا قبل از پایان سده بیستم استقرار عملی یابد. دومین هدف آنها کسب این اطمینان از دولتهاست که از استفاده از امکانی که معاهده رم (اساسنامه دیوان) برای خارج کردن جنایات جنگی از صلاحیت دیوان برای یک دوره هفت ساله در اختیار آنان قرار داده است صرفنظر نمایند.

۱. یک فرایند طولانی

اساسنامه دیوان زمانی لازم الاجرا می‌شود که شصت دولت آن را تصویب نمایند. می‌توان مشکلی را که لزوم وجود شصت سند تصویب ایجاد می‌کند تصور و ارزیابی کرد. مع ذلک، شارحان اساسنامه با قرار دادن چنین شرطی برای لازم الاجرا شدن معاهده (رُم)، که ممکن است لازم الاجرا شدن آن را برای مدت زیادی به تأخیر بیندازد، خواسته‌اند یک بازنمایی واقعی از دولتها را برای دیوان به محض تشکیل تضمین کرده باشند. وانگهی جهت گیری کلی اساسنامه بیانگر ضرورت وارد کردن هماهنگ دیوان جدید در چارچوب روابط بین‌المللی موجود است. آنچه در واقع مهم می‌نماید عدم تشکیل نهادی منقطع از واقعیات جهان است و این که فقط محلی برای اعتراض و شکایت ایجاد شود، بدون این که هیچگونه پیشرفت واقعی را در مبارزه بر ضد شدیدترین جنایات بین‌المللی تضمین نماید. چنین وضعیتی، در صورت عدم حمایت گسترده دولتهای جامعه بین‌المللی از اساسنامه، برای دیوان به وجود می‌آید.

نهادی که فقط گروهی از دولتهای پیشرو را، که طرفدار یک محکمه با استقلال وسیعی هم هستند، گرد هم آورد، مشروعیتش مورد اعتراض واقع شده و

از حمایت لازم برای کارایی محروم است. بنابراین مصالحه‌ای که در رُم به وجود آمد ارجحیت دارد. این مصالحه بدین ترتیب بود که اکثریت بالایی از ۱۶۰ دولت شرکت‌کننده در جریان رأی‌گیری ثبت نشده به نفع متن نهایی رأی دادند. دوسوم دولتهای جهان یعنی ۱۲۰ دولت از جمله فرانسه و کلیه دولتهای عضو اتحادیه اروپا رأی مثبت دادند، ۷ دولت (یعنی ایالات متحده آمریکا، چین، هند، اسرائیل، بحرین، قطر و ویتنام) رأی منفی دادند و ۲۱ دولت که اکثریت آنها دولتهای عربی بودند (از جمله مصر و عراق) و نیز ایران رأی ممتنع دادند و ۱۲ دولت هم در رأی‌گیری شرکت نکردند. مع هذا فقط ۲۳ دولت سند ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (اساسنامه) را امضاء کردند. تا روز ۱۵ مارس ۱۹۹۹، ۷۷ دولت اساسنامه را امضاء کرده‌اند که در میان آنها کلیه اعضای اتحادیه اروپا قرار دارند. اما هیچ دولت آسیایی و هیچ دولت مسلمان غیر آفریقایی به استثنای اردن حضور ندارد. پذیرش اساسنامه در بسیاری از کشورها مستلزم بازنگری در قانون اساسی شان است. نمی‌توان برای آن، زمانی هم تعیین کرد چون که دولتهای اروپایی و آفریقایی برای تصویب اساسنامه دیوان با مشکلات مهم تقنینی یا قانون اساسی مواجه هستند. سوییس، برای مثال، باید قبل از تصویب اساسنامه بخش اعظمی از قوانین خود را تغییر دهد.

۲. مورد فرانسه

شورای قانون اساسی فرانسه، به درخواست مشترک رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، تشکیل شد و در تصمیم مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۹۹ خود اعلام کرد که تصویب معاهده رُم (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) مستلزم بازنگری در قانون اساسی است. شورای قانون اساسی در تصمیم خود، سه قاعده اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را مغایر با قانون اساسی می‌داند.

اولین مورد ماده ۲۷ اساسنامه است که اشعار می‌دارد که اساسنامه «نسبت به همه اشخاص بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان اعمال می‌گردد». بنابراین این

قاعده، با نفی صریح عدم مسؤولیت رئیس دولت یا رئیس حکومت، مغایر با نظام خاص مسؤولیتی است که در فرانسه به نفع رئیس جمهور، وزراء و نمایندگان مجالس وجود دارد. این افراد از مصونیت برخوردارند و، برای اعضای قوه مجریه، یک محکمه خاص که همان دیوان دادگستری جمهوری است وجود دارد.

دومین مورد بنظر شورا مغایرت بند یک ماده ۹۹ اساسنامه با قانون اساسی و نظریه شورای قانون اساسی در ژوئیه ۱۹۸۰ است. این قاعده به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی اجازه می‌دهد که برخی تحقیقات را در قلمرو ملی فرانسه بدون حضور مقامات قضایی آن کشور انجام دهد.

سومین موردی که شورای قانون اساسی اعلام کرده است این است که صلاحیت دیوان اجرای حاکمیت ملی را متأثر می‌کند، زیرا دیوان ممکن است در امری دخالت نماید که در تضاد با اجرای یک قانون عفو بوده یا مغایر با مقررات فرانسه در قلمرو مرور زمان باشد. مرور زمان در مورد جنایت نسل‌کشی و جنایات برضد بشریت مشکلی ایجاد نمی‌کند چون که عدم مرور زمان در مورد این جنایات در حقوق فرانسه هم پیش‌بینی شده است. برعکس، حقوق فرانسه مرور زمان را در مورد جنایات جنگی می‌پذیرد.

طرح قانون بازنگری قانون اساسی در ۶ آوریل ۱۹۹۹ به تصویب مجلس ملی رسید و در ۲۹ آوریل به سنا ارائه می‌شود. سپس طرح مصوب به کنگره ارائه می‌گردد. پس از بازنگری در قانون اساسی، باید یک طرح قانونی برای تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به دو مجلس ملی و سنا ارائه شود. انطباق قوانینی که طولانی و پیچیده می‌باشد پس از تصویب آغاز می‌شود.

* منظور کنگره متشکل از نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنا است که برای بازنگری قانون اساسی فرانسه صلاحیت دارد.

ب: چالش‌های آینده

دیوان کیفری بین‌المللی بی‌شک با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد شد که از آنجمله است:

۱. جهانی شدن

کارایی دیوان آتی در واقع بستگی به حمایت جامعه جهانی در کل و نرمش در مواضع ایالات متحده آمریکا دارد. تردیدهای آمریکا در مورد اصل تکمیلی بودن دیوان، تعادل در ارکان دیوان و آیین‌های همکاری با دیوان است. وانگهی، ایالات متحده آمریکا که اساسنامه را امضاء هم نکرده است، امکان محاکمه اتباع آمریکایی توسط دیوان را در زمانی که آمریکا عضو اساسنامه نیست نمی‌پذیرد؛ و این برخلاف امکانی است که ماده ۱۲ اساسنامه پیش‌بینی کرده است که طبق آن دیوان می‌تواند خود را صالح بداند در صورتی که دولت محل وقوع جنایات یا دولت متبوع متهمان جنایات عضو اساسنامه باشند. این هرگز برای ایالات متحده آمریکا قابل تصور نیست که یک شهروند آمریکایی را تسلیم دیوان نماید. آمریکا معتقد است که این نکته مخالف اصل اساسی حقوق بین‌الملل است. آمریکاییان، در طول مذاکرات، تلاش می‌کردند تا میان بدها، که مجبور به همکاری با دیوان هستند، و خوبها، که شهروندان خود را در محاکم داخلی محاکمه می‌کنند، تفکیک ایجاد کنند.

دو عضو دیگر دائم شورای امنیت، یعنی چین و روسیه فدراتیو، اساسنامه دیوان را امضاء نکرده‌اند و دولتهای مهم دیگری همچون هند، مکزیک و مصر فعلاً خود را کنار کشیده‌اند بدون این که به‌طور فعال اقدامی برضد اساسنامه بنمایند. هیچ چیز امکان پیش‌بینی رفتار کشورهای عربی را نمی‌دهد. آنها منفعلانه مذاکره کرده و موفق شدند مسأله لحاظ نمودن نظم عمومی در مخاصمات مسلحانه داخلی را وارد اساسنامه کنند. آنها همچنین توانستند انتقال جمعیت به سرزمینهای اشغالی و

تبعید مردم به خارج از این سرزمینها را به عنوان جنایات جنگی در اساسنامه دیوان وارد نمایند. (ماده ۸، بند ب شق ۸) که این امر خود سبب امتناع اسرائیل از الحاق به اساسنامه شد.

۲. سرکوب شدیدترین جنایات

مسئله در اینجا عبارت از ایجاد سازش میان استقلال دیوان کیفری بین‌المللی، از یک سو، و سیاست جنایی آگاه به مسائل صلح و روند سازش و ایجاد دولت قانونمدار، از سوی دیگر، است.

۳. پیشگیری از مخاصمات

برای فرانسه، مسئله در آینده وارد کردن این مکانیسم قضایی در یک فرایند چند جانبه به نفع صلح است.

۴. وحدت داخلی و خارجی

چالش در اینجا خطر از دست رفتن وحدت رویه نهادهای قضایی بین‌المللی است. این نکته نگران کننده‌ای برای حقوقدانان سیستم حقوقی رومی-ژرمنی است. در واقع ممکن است که شعبه‌ای از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق عملی را جنایت ارتكابی در مخاصمه مسلحانه داخلی بداند و شعبه‌ای دیگر عمل مشابهی را جنایت ارتكابی در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی قلمداد نماید. وانگهی، افزایش محاکم بین‌المللی، از دیوان بین‌المللی دادگستری تا دیوان کیفری بین‌المللی، خطر گسترش ناهماهنگی در پاسخ به سؤالات مشابه را می‌افزاید، به خصوص این که دادگاه‌های ویژه نیز می‌توانند به احتمال قوی ایجاد شوند.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه گیری باید گفت که دیوان در بهترین حالت قبل از سه یا چهار سال نمی تواند به طور واقعی ایجاد شود؛ و عملکرد مطلوب تر آن نسبت به عملکرد محاکم کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، بستگی زیادی به شورای امنیت سازمان ملل متحد و حسن نیت دولتها دارد. ایجاد دیوان کیفری بین المللی نمادی آشکار از سازشی سخت میان آرمان دستیابی به یک عدالت بین المللی مستقل و ماهیت بین الدولی حقوق بین الملل است.





پښتونستان د علومو او مطالعاتو د پوهنتون
پرتال جامع علومو د پوهنتون